



راهکارهای افزایش کیفیت آموزشی و یاددهی معلمان بر ظهور خلاقیت و یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی

زهرا حسنی^۱، زینب اوصالی^۲

۱- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس الزهرا (س) زنجان

۲- کارشناسی علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان، پردیس الزهرا (س) زنجان

zeinabosali5@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف راهکارهای افزایش کیفیت آموزشی و یاددهی معلمان بر ظهور خلاقیت و یادگیری دانش آموزان دوره ابتدایی انجام شد. ارتقای خلاقیت مستلزم ایجاد فرصت‌های کافی و وجود شرایط مساعد و توجه به عوامل مؤثر بر این توانایی است. با توجه به اهمیت خلاقیت در توسعه مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی و حل مسائل در دانش‌آموزان، این توانمندسازی نه تنها به بهبود کیفیت آموزش و یادگیری، بلکه به توسعه فرهنگ خلاقیت در جامعه نیز کمک می‌کند. این پژوهش به شیوه مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شد. نتایج نشان داد نقش آموزگاران در توانمندسازی خود را ایفا می‌کند. آموزگاران با داشتن دانش و تجربه مناسب در زمینه آموزش خلاقیت، می‌توانند راهکارهای نوین و مؤثری را در جهت بهبود روش‌های آموزش خلاقیت ارائه دهند و به دانش‌آموزان انگیزه‌بخشی کنند. توانمندسازی آموزگاران برای اجرای مؤثر آموزش خلاقیت در دوره تحصیلی ابتدایی، عواملی مهم و کلیدی در بهبود کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان است.

کلمات کلیدی: کیفیت آموزشی، یادگیری، معلمان، خلاقیت، دانش‌آموزان



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

آموزش و پرورش امروزه به‌عنوان یکی از عوامل اساسی توسعه جوامع محسوب می‌شود و نقش آموزگاران به‌عنوان عوامل اساسی در ارتقاء کیفیت آموزش و یادگیری بیش از پیش مشهود است. در این سیاق، مفهوم خلاقیت به‌عنوان یکی از پارامترهای مهم در فرآیند آموزش و یادگیری به‌ویژه در مقطع ابتدایی مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است. مهارت‌های خلاقیتی در دانش‌آموزان علاوه بر توانمندی‌های شخصی، توانمندی‌های اجتماعی و مهارت‌های علمی را تقویت کرده و به آن‌ها در مواجهه با چالش‌های زندگی کمک می‌کند. اصطلاح خلاقیت در واقع از ۱۹۵۰ بعد از میلاد وجود داشته است، زمانی که مفهوم آن موضوع تحقیقات مهمی در ایالات متحده آمریکا شد. این تلاش چشمگیر با هدف «تعمیم و تعمیق مفهوم اساسی و رایج خلاقیت» به این واژه شأن ویژه‌ای بخشید، اما در عین حال توسعه سریع و کاربرد گسترده آن در همه زمینه‌ها آن را به این واژه تبدیل کرد. مهم تلقی می‌شود و در تمامی محافل علمی قابل طرح است (امانی علی آباد و همکاران، ۱۴۰۰). خلاقیت با عوامل ژنتیکی و ارثی مرتبط است، اما نمی‌توان نقش والدین، آموزگاران و محیط آموزشی را در ایجاد شرایط بالقوه برای ظهور خلاقیت در یادگیری دانش‌آموزان انکار کرد. آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت یکی از روش‌های نوین یادگیری است که می‌تواند سطح دانش را در جامعه بالا ببرد. در نظام‌های آموزشی کنونی، تفکر همگرا در مرکز و اساس کار قرار دارد و تفکر واگرا نه تنها مورد غفلت قرار می‌گیرد، بلکه اغلب تضعیف می‌شود. سازمان به خودی خود خلاق و نوآور نخواهد شد مگر اینکه افراد خلاق با ویژگی‌های خاص بدنه آن سازمان را تشکیل دهند و در نهایت وجود رهبری خلاق برای تأثیرگذاری بر فرهنگ سازمان و ایجاد انگیزه در شرایط سخت ضروری به نظر می‌رسد. در نتیجه، تا زمانی که کودک به بزرگسالی می‌رسد، کودک احساس خلاقیت نمی‌کند. ساختار عاطفی مناسب در کلاس درس می‌تواند باعث ارتقای خلاقیت در همه دانش‌آموزان شود و همچنین خوش‌گذرانی، تفریح و مقابله با پیچیدگی جنبه‌های دیگری از جو عاطفی مورد نیاز برای تجلی خلاقیت است. آموزگاران باید با ارائه مسائل و مفاهیم دشوارتر و تشویق دانش‌آموزان به استقامت و تلاش برای رفع مشکلات و ابهامات، زمینه فعالیت فکری دانش‌آموزان را فراهم کنند. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که سوق دادن دانش‌آموزان و متمایل کردن آن‌ها به تحقیق و پژوهش، می‌تواند در شکوفایی خلاقیت آن‌ها نقش داشته باشد (Ulas et al., 2008).

آموزگار، مهم‌ترین عامل در امر یادگیری خلاق است و این آموزگاران هستند که محیط‌های یادگیری را خلاقانه نموده و لذا کیفیت کار آموزگار تأثیر مستقیمی در آموزش و یادگیری خلاق دارد؛ به طوری که تدریس خلاقانه همواره به مثابه عنصر زیربنایی امور یادگیری است و آموزگار در کلاس درس مدیر و رهبر است، زیرا او مدیر بحث یادگیری است و یادگیری زمانی مؤثر است که یکی از عوامل اصلی آن، که آموزگار است کارآزموده و با انگیزه و خلاق باشد تا بتواند در سایه تلاش برای آموزش خلاقانه به دانش‌آموزان، با تکنیک‌های خود، امر یادگیری خلاق را پیاده‌سازی کند. در نتیجه در هزاره سوم میلادی و در عصر انفجار اطلاعات که تغییر و تحول پرشتاب از مشخصه‌های بارز آن است، فرآیند خلاقیت، بسترساز تحول و دگرگونی عمیق خواهد بود (Lucchiari et al., 2019).

تاریخچه آموزش خلاقیت

آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت یکی از روش‌های نوین یادگیری است که می‌تواند سطح دانش را در جامعه بالا ببرد و جامعه‌ای که در آن گردش چیزها بر اساس دستاوردها، اطلاعات و شاخص‌های علمی باشد، جامعه‌ای دانش‌بنیان است. که نمود آن امروزه در بسیاری از جوامع مشهود است. تقریباً بیش از نیم قرن پیش، آموزش و یادگیری مبتنی بر خلاقیت توسط کاترین پاتریک والاس برای رفتار افراد خلاق پیشنهاد شد و والاس این روش را مورد آزمایش قرار داد. متعاقباً، شاهکار مشابهی توسط راسمن انجام شد. لمان در تحقیقات خود تلاش کرد تا رابطه بین جنبه‌های کمی و کیفی رفتار خلاق را کشف کند. این



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فعالیت‌ها در ایالات متحده آمریکا منجر به تأسیس مراکز تحقیقاتی مختلفی در این زمینه شده است. بعدها پل ترنس تحقیقات خود را به مطالعه محیط و خلاقیت معطوف کرد و کالوین تیلر در این زمینه فعالیت کرد. بیش از ۴۰ سال قبل از اوایل دهه ۱۹۵۰، بزرگ‌ترین و شناخته شده ترین مرکز تحقیقات و آموزش خلاقیت، به نام بنیاد تفکر خلاق، توسط محققى به نام الکس آزبورن ۲ در بوفالو، نیویورک تأسیس شد. این بنیاد بیش از ۱۰۰۰ داشت. او دوره آموزشی خلاقیت را در آمریکا رهبری کرده بود. دکتر آزبورن به دلیل فعالیت‌ها و خدمات چشمگیر خود در این زمینه، بعدها به عنوان «پدر علوم خلاق» لقب گرفت. خلاقیت در روسیه توسط مدرسه نوآوران آموزش داده می‌شود. کشور ژاپن نیز این کاروان را پشت سر گذاشت و از طریق مرکز آموزش خلاقیت به پرورش استعدادهای خلاق پرداخت (Ulas et al., 2008). علاوه بر این، برای ترغیب جوانان به فکر کردن در مورد تفکر غیر طبیعی، شجاعت و شجاعت برای معرفی ایده‌های جدید و غیرمعمول هر ساله، رقابت با نام المپیک نوآورا برگزار می‌شود و برنده شخصی است که او به همین روش ساخته است. در طول زمان، اندیشه خلاقانه روز به روز در برنامه آموزشی کودکان به یک ضرورت تبدیل شد (Jamali et al, 2019).

مفهوم خلاقیت

خلاقیت مفهومی است که بسیار مورد توجه روانشناسان به ویژه روانشناسان کمال‌گرا است و امروزه همه پژوهشگران بر این امر اتفاق نظر دارند که اساس قدرت انسان از «خلاقیت» آن نشأت می‌گیرد؛ و اهمیت خلاقیت و نقش اساسی آن در همه امور زندگی بر همگان روشن است. برخی از کارشناسان معتقدند که خلاقیت یک کشف ناگهانی است و به مقوله کشف و شهود نزدیکتر است، برخی دیگر هنوز معتقدند که خلاقیت یک فرآیند مداوم است. در عین حال به پیشینه و زیربنای اولیه نیز نیاز دارد، این تداوم نوعی بلاتکلیفی، تلاش و کنکاش در وجود آدمی ایجاد می‌کند تا چیزهای جدید پدید آید. آغوش یک فرد خلاق برای ایده‌های جدید باز است، محیطی را ایجاد می‌کند که در آن تجربیات جدید ایجاد می‌شود. خلاقیت را می‌توان با حدی از قوای ذهنی که به نتایج اخلاقی منتهی می‌شود، توصیف کرد. پس خلاقیت عبارت است از « توانایی عبور از مرز معلوم - حد طبیعی دارد - رسیدن به مرز مجهول» (امانی علی آباد و همکاران، ۱۴۰۰). و به طور کلی خلاقیت مفهومی چند بعدی و کیفی است که در همه مردم و تنها تفاوت آن در کمیت است.

ضرورت خلاقیت

پیشرفت و حرکت به سوی آینده‌ای بهتر و حل انبوه مشکلات و مشکلاتی که به ویژه در هزاره سوم پس از میلاد وجود دارد و در عصر طلایی که به عصر انفجار اطلاعات معروف است و تغییر مستمر و سریع یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های زندگی بشر است، بی شک جامعه بشری راه خلاقیت، نوآوری و نوآوری را در پیش خواهد گرفت. بنابراین برای رسیدن به این هدف باید روی تاثیرگذارترین گروه جامعه یعنی کودکان و نوجوانان سرمایه گذاری کرد، زیرا شروع کنجکاو و خلاقیت در کودکان از همه گروه‌های سنی و هر بعد محیطی قوی‌تر است. از نظر منابع اطلاعاتی غنی‌تر باشد این انگیزه از طریق مکانیسم‌های جدیدی مانند پرسیدن سؤال، برانگیختن کنجکاو و بحث و تحقیق منجر به رشد خلاقیت می‌شود (Zelenkova, 2015). بنابراین کنجکاو در واقع عشق به کشف، دانستن و نوآوری، عشق به اطلاعات جدید و عشق برای دستیابی به موقعیت‌هایی است که منشأ و ریشه رفتار خلاقانه و نوآورانه است. در نتیجه نظام‌های آموزش باید روشهای آموزشی را بر اساس اعتقادات خلاقانه بسازند تا این امکان را برای نظرات جدید و نو در مورد موضوعات مختلف فراهم کند. بر اساس این امر، اگر از عقاید متفاوت و شاید غیر طبیعی آموزگاران، مربیان و دانشمندان استقبال شود، کودکان نه تنها اجازه می‌یابند تا چیزها را بر اساس سلیقه خود کشف کنند (اولاس و همکاران، ۲۰۰۸).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ضرورت این امر، پرورش تخیل در کودکان، با تفکر، نقاشی و ساخت اشیاء مختلف با ترکیب آنها است. «به طور کلی، نقاشی، نوشتن و نوشتن، زمینه ایده آل فرد و پاداش دانش آموزان را ارائه می‌دهد» (شریعتمداری، ص ۴). آموزش خلاق امری ضروری و جدی است.

آموزش و یادگیری خلاق

کارهای زیادی وجود دارد که والدین و آموزگاران می‌توانند برای بهبود یادگیری دانش آموزان انجام دهند. ما نیز با ایجاد عادات خوب مطالعه و شناخت موفقیت می‌توانیم به او کمک کنیم. همکاری با آموزگار نیز می‌تواند مهم باشد زیرا آموزش و یادگیری خلاق دو فرآیند اساسی در مدرسه هستند و معمولاً همه کارهای مدرسه بر اساس میزان موفقیت آنها ارزیابی می‌شود. یادگیری در دانش آموزان به عنوان تغییر در رفتار آنها تعریف می‌شود. قبل از اینکه یادگیری یک پدیده فردی باشد، یک پدیده اجتماعی است که بدون وجود روابط بین اعضای جامعه امکان پذیر نیست. یادگیری خلاق تنها زمانی می‌تواند به خوبی انجام شود که آموزگار، محیط خاص و عواملی مانند بازخورد و تقویت وجود داشته باشد. بنابراین آموزگاران ابتدا باید در نظر داشته باشند که یادگیری اساسی‌ترین کار مدرسه است و این امر بدون برقراری روابط کنش و واکنش و تعامل بین آموزگار، دانش آموز، دانش آموز و محیط امکان پذیر نیست.

ضرورت تأکید بر پرورش خلاقیت در مدارس

در مدرسه، عصری که عمیق‌ترین پرش کوانتومی و پذیرش اجتماعی را دارد، انسان‌ها با نوسازی خلاق روبرو شده‌اند. در همین حال، نقش ماهواره‌ها و ماهواره‌های ارتباطی جهانی به طرز شگفت آور دگرگون شده است و یکپارچگی اطلاعات در کشورهای، شهرها، روستاها، مدارس و خانه‌ها منتقل شده است (لوچیاری و همکاران، ۲۰۱۹). علیرغم موفقیت قابل توجهی که مردم امروز در زمینه‌های علوم، تکنیک، بهزیستی و غیره به دست آورده‌اند، در صورت عدم ممتنع بودن با عدم فراوانی روبرو هستند. در عادات، عدم استفاده از دروس و تجربیات، جلسات غیر منطقی و غیرمنطقی با موقعیت‌ها، ناکارآمدی با توجه به شرایط، عدم وجود روش علمی و شخصیت در امور روزانه و غیره. مدارس. با توجه به واحدهای آموزشی آموزش و پرورش، مأموریت بزرگ به رسالت بزرگ آن شک می‌کند که باید هم افزایی خلاقیت و نوآوری در جوامع بشری باشد. پذیرش این واقعیت که اکنون این مأموریت با شکست همراه است و بسیاری از امکانات که می‌تواند منجر به خلاقیت و نوآوری شود، در زمینه مدارس سخت است (Ulas et al. 2008). سیستم آموزش و پرورش کشور ما بسیاری از استدلال‌های مبتنی بر زمان را متمرکز می‌کند، و مهارت‌های خلاقانه‌تر کاملاً تحت الشعاع قرار می‌گیرد و اغلب با وجود این که مربیان، اراده خوبی نیز دارند، اما به طور فعال از خلاقیت و دانش دانش‌آموزان جلوگیری می‌کنند. مدارس اندیشه آموزش نمی‌دهند و به جای تشویق و اشاعه اندیشه و روش‌های متفاوت، همگرایی را تشویق می‌کنند. دانش‌آموزان دائماً خود را برای مشاغل اجباری و مسئولیت‌های اجباری پیشنهاد می‌کنند، در حالی که تجربیات محققان خلاق و متفکران نوآور در علم و فناوری نشان می‌دهد که چنین مشاغل و مسئولیت‌هایی افکار خلاق را آرام نمی‌کنند (افروز، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲). در نظام‌های آموزشی کنونی، تفکر همگرا در مرکز و اساس کار قرار دارد و تفکر واگرا نه تنها مورد غفلت قرار می‌گیرد، بلکه اغلب تضعیف می‌شود. در نتیجه، تا زمانی که کودک به بزرگسالی می‌رسد، کودک احساس خلاقیت نمی‌کند (Woo et al, 2011).

عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت

همانطور که گفته شد، ارتقای خلاقیت مستلزم ایجاد فرصت‌های کافی و وجود شرایط مساعد و توجه به عوامل مؤثر بر این توانایی است. از جمله عوامل آموزشی مؤثر بر خلاقیت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد (Lucchiari et al., 2019):



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

سازمان

سازمان‌های آموزشی می‌توانند محیطی ایجاد کنند که خلاقیت و نوآوری را برانگیزد و امکان رشد و توسعه خلاقیت را فراهم کند. چنین سازمان‌هایی دارای ویژگی‌هایی مانند: فرهنگ سازمانی خلاق، محیط خلاق، کارکنان خلاق و رهبری خلاق هستند. سازمان‌های خلاق دارای فرهنگ قوی و الهام بخش هستند و افراد را به سمت سازمان و اهداف آن هدایت می‌کنند به گونه‌ای که خود را جزئی از سازمان ببینند. تاکید این سازمان‌ها بر روحیه کارآفرینی و تقویت زمینه‌های مناسب برای ارتقای خلاقیت و نوآوری است. در یک محیط خلاق، کارمندان دولت آماده شنیدن ایده‌های نوآورانه و جدید هستند و تشویق می‌شوند تا راه‌های جدید کار را کشف و جستجو کنند. مردم به یکدیگر اعتماد دارند و فضای کاری آرام و دوستانه وجود دارد. خلاقیت و نوآوری در اولویت هستند، اهداف به وضوح تعریف شده‌اند و مردم برای تغییر آماده می‌شوند. از سوی دیگر سازمان به خودی خود خلاق و نوآور نخواهد شد مگر اینکه افراد خلاق با ویژگی‌های خاص بدنه آن سازمان را تشکیل دهند و در نهایت وجود رهبری خلاق برای تأثیرگذاری بر فرهنگ سازمان و ایجاد انگیزه در شرایط سخت ضروری به نظر می‌رسد. (سام خانیان، ۱۳۸۳، ص ۸۸).

مدیریت مدرسه

موفقیت نهادها و سازمان‌ها تا حد زیادی به کارایی و بهینگی مدیریت بستگی دارد. مدیریت به معنای کارا کردن فعالیت افراد است. مدیریت مدرسه یکی از مهمترین موقعیت‌ها در سیستم آموزش و پرورش بوده و این بیانیه معروف که «کسی که مدرسه را اداره می‌کند می‌تواند کشورها را اداره کند» از ارزش و اهمیت مدیریت و مسئولیت مدرسه سخن می‌گوید. توجه به این نکته مهم است که می‌توان خلاقیت و نوآوری را مدیریت کرد و خلاقیت و نوآوری را در سازمان تسریع و تسریع کرد. برخی دانشمندان نقش مدیر مانند علت متغیرهای اجتماعی، سازمانی و شخصیتی را که تأثیرات اساسی بر عملکرد مدرسه دارند، معرفی کرده‌اند (کشتکار و همکاران، ۱۴۰۱). مدیران سازمان‌ها به این نتیجه رسیدند که این اتفاق در نتیجه «عاملی که منجر به قدرت کارمندان می‌شود و تعیین عدم موفقیت یا موفقیت یک سازمان، رهبری آنهاست» اتفاق افتاده است. سه سبک مهم است که با تحقیقات متعدد تعیین گردیده است: الف) سبک مسئولیت؛ ب) سبک روشنایی؛ ج) سبک آغازگر

الف) سبک مسئولیت: مدیران سبک مسئولیت افرادی را دارند که برنامه‌ای از پیش تعیین شده برای تغییر و بهبود کیفیت حافظه برای یادگیری حفظ آرامش در مدرسه با حفظ وضع موجود و تلاش برای بهتر شدن دارند. این مدیران نسبت به اقدامات جوانان بی تفاوت هستند.

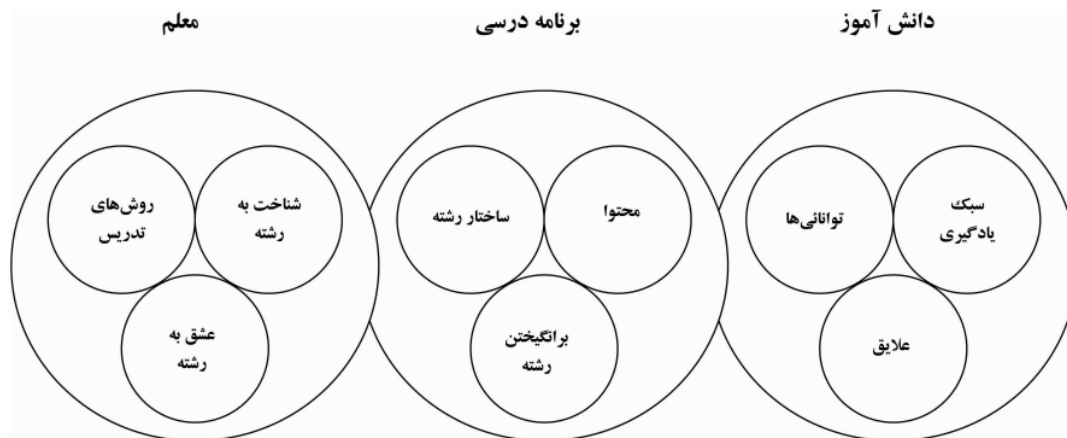
ب) سبک گرداندگی: این مدیران به فعالیت‌های مبتکرانه کمک می‌کنند. اگرچه، به مانند مدیران مسئولیت، آن‌ها با تغییر و تحول میانه خوبی ندارند، ایده‌های نوآورانه را رها نمی‌کنند و از حرکات و اقدامات پشتیبانی می‌کنند.

ج) سبک آغازگر: مدیر با سبک آغازگر بیشترین موفقیت را در نوآوری‌ها و تغییرات به عنوان پاداش دارد. این دانشمندان انتقاد و اصل آن را در وضعیت مدیریت آموزش و پرورش می‌دانند و مبتکر برنامه‌های تحول هستند و نیاز به اجرای آموزگاران و بنابراین انسجام فرهنگ و فرهنگ سازمانی منسجم دارند (Erdogan et al., 2009).

آموزگار

پیشرفت آموزش عمدتاً ناشی از صلاحیت و ظرفیت کارکنان آموزشی به طور کلی و در خصوصیات انسانی، آموزشی و فنی آموزگار است (نفیسی، ۲، ص ۴) و هر پیشرفت چشمگیر در کار، نیازمند حمایت آموزگاران است (جلال و همکاران، ۱، ص ۴). آموزگاران نقش مهمی در رشد کودکان خلاق و متعهد ایفا می‌کنند. مربیان می‌توانند در بعضی موارد مهارت‌های خلاقانه‌ای ایجاد کنند تا دانش‌آموزان در مورد سؤالات و قوانین علمی به روش‌های جدی فکر کنند. آموزگاران که این رفتار را نشان

می‌دهند خالق کلاسهای درسی هستند که باعث ایجاد آفرینش می‌شود (تاتری، ۲، ص ۴). نمودار زیر اثرات این سه عامل را توصیف می‌کند:



شکل ۱: الگوی Reznolli, 2013 برای پرورش خلاقیت در مدرسه

در آموزش فعال، نقش آموزگار ایجاد تشنگی است نه سیراب کردن. آموزگار خلاق ذهن دانش آموز را به تعادل نزدیک می‌کند، آرامش و رضایتی که فرد از طریق قوانین و اصول تعادل جوی برای خود به دست می‌آورد را به دانش‌آموز هدیه می‌دهد (کریمی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۹، به نقل از سام هانیان، ص ۳۸۱). به کودکان اجازه می‌دهد تا با توجه به توانایی‌های خود رشد کنند، به فعالیت‌هایی در موضوعات مورد علاقه خود بپردازند، کتاب‌های مهم را مطالعه کنند و متفاوت فکر کنند (Liao et al., 2018). این نشان می‌دهد که چگونه آموزگاران از طریق چندین ویژگی کلیدی، پایه‌ای برای رشد خلاق دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند.

ساختار فیزیکی کلاس: قرار دادن محرک‌های بصری در کلاس، قرار دادن میز و صندلی مناسب و تخصیص فضای لازم برای فعالیت دانش‌آموزان از عواملی هستند که در تسهیل فرآیند یادگیری خلاق نقش دارند (Woo et al, 2011)..

ساختارهای فکری-شناختی مناسب در کلاس: پرورش حس کنجکاوی یکی از گام‌های اساسی در این زمینه است. یکی از عبارات اصلی کنجکاوی پرسیدن سؤال و یافتن پاسخ است. نحوه رسیدگی آموزگاران به سؤالات دانش‌آموزان تأثیر زیادی در افزایش علاقه دانش‌آموزان دارد. بنابراین طرح سؤال، توجه به سؤالات، پاسخ به سؤالات، بهبود تفکر در مورد سؤالات، تقویت قوه تخیل، ریسک کردن، درگیر کردن دانش‌آموزان از طریق بازی‌های فکری و ... این به تقویت کنجکاوی و خلاقیت کودکان کمک می‌کند (Zelenkova, 2015).

محیط اجتماعی - عاطفی مناسب: محیط اجتماعی - عاطفی مناسب زمانی وجود دارد که دانش‌آموزان در کلاس درس احساس امنیت کنند و بتوانند به محرک‌های فیزیکی و فکری آموزگاران و همسالان پاسخ مثبت دهند. در این مواقع دانش‌آموزان تمام سؤالات را می‌پرسند، در بحث‌ها شرکت می‌کنند و اشتباهات و شکست‌ها را برای موفقیت اجتناب ناپذیر و ضروری می‌بینند، بدون اینکه نگران احتمال تمسخر یا ارباب دیگران باشند.

ساختارهای یاددهی-یادگیری: رمز موفقیت آموزگار در یادگیری خلاق ممکن است روش تدریس مناسب باشد. مناسب‌ترین و مؤثرترین روش برای رشد و توسعه تفکر خلاق کودکان، روش یادگیری فعال و اکتشافی است (سام خانیان، ۱۳۸۳). یادگیری چندگانه امکان فعالیت‌های خلاق کلاسی و فراحسی را فراهم می‌کند. می‌تواند اطلاعات و تفکر را توسعه دهد و اعتماد به نفس و خودآگاهی ایجاد کند. چنین محیطی می‌تواند زمینه‌ای برای رشد خلاقیت فراهم کند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نحوه شناسایی دانش آموزان خلاق

آزمایشات علمی بر روی استعدادهای فکری و ویژگی جهانی خلاقیت را آشکار کرده است. برای شناسایی دانش آموزان خلاق، والدین و آموزگاران باید با نشانه‌های پیشرفت در کودکانی که خلاق تلقی می‌شوند آشنا باشند و رفتار فکری کودکان و نوجوانان را با این نشانه‌ها همسو کنند. این توجه ویژه برای شناسایی کودکان خلاق در دوره اول و دوم کودکی (مهدکودک و دبستان) بسیار مهم است. تحقیقات و تجربه نشان می‌دهد که «خلاقیت در سنین ۴ تا ۵ سالگی به اوج خود می‌رسد و در ۵ سالگی اندکی کاهش می‌یابد.» همچنین خلاقیت از کلاس اول به کلاس سوم افزایش می‌یابد. اما در ابتدای کلاس چهارم ناگهان افت می‌کند و از کلاس چهارم به بعد تحت تأثیر فرهنگ قرار می‌گیرد (Liao et al. 2018).

کودکان و بزرگسالان خلاق، تخیل خاصی دارند که یکی از ویژگی‌های مشترک افراد خلاق است. تخیل و گفتن فعالیت‌ها و بازی‌های پر جنب و جوش، بازی‌های نمایشی، بازی سازنده (عمدی)، بازی وانمودی، و دروغ‌های عجیب و غریب (تخیلی) قدرت فوق‌العاده تخیل را نشان می‌دهد.

به گفته گزل و جکسون، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که کودکان بسیار خلاق را از کودکان بسیار باهوش متمایز می‌کند، توانایی یا تمایل کودک به ریسک‌پذیری است.

استقلال ارزیابی، سازگاری کم با دیگران، عدم کثرت گرایی، زیر پا گذاشتن قوانین و پذیرفتن کارهای دشوار، ارتباط و ترکیب جنبه‌های هر مشکل از ویژگی‌های پدیدآورندگان و خلاقان است.

نقش اطلاعات در خلاقیت

اطلاعات یکی از عناصر اصلی خلاقیت و مواد اولیه آن است. اگر یکی از قطب‌های خلاقیت، فعالیت ذهنی موجود باشد، دیگری اطلاعات و دانش از چیزها و اعمال است. اثر خلاقیت هر چقدر هم که در محیط خانوادگی و تربیتی کودک غنی باشد، تأثیر خلاقیت کودک نیز یکسان است و اطلاعاتی که از راه‌های سمعی و بصری به دست می‌آید بسته به شخصیت کودک دقیق‌تر و قابل دسترس‌تر است. او و این وسایل می‌توانند اطلاعات و دانش بیشتری را به کودکان منتقل کنند (دلایی میلان و همکاران، ۱۴۰۱).

فراغت و خلاقیت

تحقیقات و بررسی‌ها نشان می‌دهد که اوقات فراغت همواره زمینه‌ای مناسب برای خلاقیت و نوآوری بوده است. از آنجایی که ذهن انسان در اوقات فراغت مشغول کار نیست، این امکان برای فرد وجود دارد که بدون توجه به فرمت از پیش تعیین شده، در یک حوزه مورد علاقه کار کند. فرد می‌تواند در اوقات فراغت خود از تفکر خودسرانه و آزاد و تفکر واگرا برای حل مشکلات پیش آمده در رشته تحصیلی خود استفاده کند. تفکر واگرا یا خلاق، کاتالیزوری برای نوآوری و اختراع انسان است. مطالعات بر روی ویژگی‌های افراد خلاق نشان داده است که آنها نه تنها بسیار باهوش، صادق، باز و انعطاف پذیر هستند، بلکه از تفکر آزاد و واگرا خود برای استفاده مناسب از اوقات فراغت خود برای کشف انواع مشکلات و یافتن راه‌های جدید استفاده می‌کنند.

ویژگی‌های افراد خلاق

کارشناسان به طور کامل در مورد ویژگی‌های افراد خلاق توافق ندارند. در این نظرسنجی، آن‌ها نظرات تخصصی در مورد ویژگی‌های افراد خلاق و آنچه دانشمندان بیشتر به آن توجه می‌کنند، جمع‌آوری کردند، که شامل موارد زیر می‌شود:

- استعدادها، هنر و ایده‌های زیادی دارند.
- آگاهی از نوآوری و دانش آموزش
- ارزیابی از ساختار جدید



- بینش درونی
- توانایی چرا گفتن
- مسئول خود و دیگران
- خطر کردن
- استفاده بهینه از فرصت‌ها و موقعیت‌ها
- امکان حل مشکل و یافتن راه حل
- آماده موفقیت و رشد
- توانایی ارائه راه حل‌های خلاقانه برای حل مشکلات
- حساس به مشکلات سیاسی و اجتماعی
- خودمختار
- ثبات عاطفی
- نوآوری افکار و اقدامات
- روحیه راهنما
- آن‌ها دارای شخصیت خوب توسعه یافته و اختلالات روانشناختی هستند.

خصوصیات مدرسه مطلوب برای پرورش تفکر خلاق

یک مدرسه که می‌تواند زمینه ساز تفکر خلاق در دانش آموزان باشد باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

- محیطی دوستانه که در آن از زحمات هر فرد کوشا قدردانی می‌شود.
- فضایی مملو از امنیت خاطر و آزادی عمل حاکم بر آن.
- محیطی که در آن فرصت یادگیری و مسئولیت پذیری مهیاست.
- محیطی دارای فرصت‌هایی برای تصمیم گیری.
- وجود امکانات لازم برای ارزشیابی همگانی در آن.

ویژگی‌های آموزگار علاقمند به خلاقیت

برخی ویژگی‌های آموزگار علاقمند به خلاقیت که داشتن آن‌ها به بازدهی بیشتر کلاس و تدریس او کمک می‌کند، موارد زیر است:

- فردی انتقادپذیر باشد.
- تحمل عقاید نو دانش آموزان را داشته باشد.
- از صبر و تحمل بالایی برخوردار باشد.
- به تفاوت‌های فردی و منحصر به فرد بودن تک تک دانش آموزان اعتقاد داشته باشد.
- از انگیزه‌ای قوی برخوردار باشد.
- پذیرای ایده‌ها و نظرات غیر عادی دانش آموزان خود باشد.
- دوست دار هنر و زیبایی شناسی باشد.
- تا حد امکان به دانش آموزان خود آزادی عمل بدهد.
- در چند زمینه مختلف معلومات و مهارت داشته باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- برای هر دانش آموز احترامی ویژه قائل باشد.
- خیال پردازی دانش آموزان را تشویق کند.
- در مواقع لزوم بتواند کودکانه بیاندهد و کودکانه عمل کند.
- به دانش آموزان خود اجازه دهد که گاهی اشتباه کنند.

آموزگار دوست دار خلاقیت معتقد است که اگر به دانش آموزان کلاسش اجازه اشتباه کردن را بدهد، بزرگترین چیزها را به آن‌ها آموخته است.

نقش محیط کلاس در پرورش خلاقیت

به گفته محققان، همه افراد در سنین پایین دارای استعدادهای خلاق هستند اما در صورت نادیده گرفته شدن و تقویت نشدن این توانایی، نبود محیط مناسب مانع از بروز آن‌ها می‌شود. محیطی مساعد برای کنش خلاقانه می‌تواند به طرق مختلف ایجاد شود و باید بر اصولی استوار باشد که به کنش خلاق منجر شود. محیط یا فضای منتهی به دستیابی به این اهداف باید سه عامل فیزیکی، عوامل فکری-عقلانی و عوامل عاطفی را در نظر بگیرد (Liao et al., 2018).

الف) عوامل فیزیکی: ساختار فیزیکی یک کلاس درس می‌تواند نقش بسیار مهمی در تسهیل فرآیند یادگیری خلاق داشته باشد. فضای کلاس باید طوری طراحی شود که خلاقیت دانش آموزان را تحریک کند و به آموزگاران اجازه دهد تا فعالیت‌های مجازی را که تصور می‌کنند ایجاد کنند.

هر کلاس درس موجود را می‌توان به گونه‌ای ساختار داد که به دانش آموزان فضای مورد نیاز برای ابراز خلاقیت خود را بدهد و چند نکته وجود دارد که باید در نظر داشت. یکی دیگر از عوامل مهم در تضمین فضای فیزیکی کلاس، ارائه وسیله‌ای برای نمایش آثار دانش آموزان است. تجهیزاتی مانند: تخته، میز، قفسه و جعبه مقوایی. هر چیزی که بتوان از آن برای معنادارتر کردن اختراعات و کار دانش آموزان استفاده کرد، به دستیابی به این هدف کمک می‌کند (دلایی میلان و همکاران، ۱۴۰۱).

ب) عوامل فکری-عقلانی: به طور کلی ساختار فکری یک کلاس درس می‌تواند با تقویت مهارت‌های تفکر و تفکر دانش آموزان به افزایش خلاقیت کمک کند. برای این منظور آموزگاران باید مسائلی را که نیاز به تحقیق و تأمل دارد در کلاس ارائه کنند. یک فضای معقول می‌تواند دانش آموزان را تشویق کند. در واقع، مشوق‌هایی که در کلاس درس به دانش آموزان داده می‌شود باید از همان ابتدا موفق باشند. این به دانش آموزان اجازه می‌دهد تا به تلاش، ریسک کردن، آزمایش کردن و مقابله با مشکلات دشوار ادامه دهند.

ج) عوامل عاطفی: ساختار عاطفی مناسب در کلاس درس می‌تواند باعث ارتقای خلاقیت در همه دانش آموزان شود. جو عاطفی به دانش آموزان اجازه می‌دهد تا احساس امنیت کنند و به محرک‌های فیزیکی و فکری آموزگاران و همسالان پاسخ مثبت دهند.

یکی از مهم‌ترین گام‌ها در این زمینه توسعه حس کنجکاوی است. سؤال پرسیدن و یافتن پاسخ یکی از مهم‌ترین نشانه‌های کنجکاوی است. برای افزایش علاقه، ایجاد فرصت برای تجربه و تحقیق ضروری است. دانش آموزان باید بتوانند محیط و اشیاء اطراف خود را مشاهده، تجربه و جستجو کنند. به طور کلی، برای پرورش رفتار خلاق و جو عاطفی، کلاس‌های درس باید ارزش، احساس تعلق و قدرت را در اختیار دانش آموزان قرار دهند. آن‌ها باید به این محیط اعتماد کنند.

خوش گذرانی، تفریح و مقابله با پیچیدگی جنبه‌های دیگری از جو عاطفی مورد نیاز برای تجلی خلاقیت است. بنابراین، آموزگاران باید با ارائه مسائل و مفاهیم دشوارتر و تشویق دانش آموزان به استقامت و تلاش برای رفع مشکلات و ابهامات، زمینه فعالیت فکری دانش آموزان را فراهم کنند (کشتکار و همکاران، ۱۴۰۱).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

توصیه‌های کاربردی به آموزگاران

- آشنایی با مفهوم خلاقیت: قبل از هر چیز، آشنایی کامل با مفهوم و اهمیت خلاقیت در آموزش ضروری است. با مطالعه و تحقیق در این زمینه، بهترین راهکارها و روش‌های آموزش خلاقیت را درک خواهید کرد.
- استفاده از روش‌های تدریس نوآورانه: از روش‌های تدریس متنوع و نوآورانه برای جلب توجه و تحریک خلاقیت دانش‌آموزان استفاده کنید. ترکیب انواع روش‌ها مانند مطالعه معکوس، یادگیری مبتنی بر مشکل و پروژه‌محوری می‌تواند مفید باشد.
- تشویق به تفکر انتقادی: تربیت تفکر انتقادی از مهارت‌های اساسی در آموزش خلاقیت است. از دانش‌آموزان خواسته شود تا سؤالاتی مطرح کنند، دیدگاه‌های مختلف را بررسی کنند و به تفکر انتقادی پردازند (امانی علی آباد و همکاران، ۱۴۰۰).
- تشویق به همکاری و گروهی: فعالیت‌های گروهی و همکاری می‌توانند خلاقیت و تفکر خارج از جعبه را تشویق کنند. دانش‌آموزان را به همکاری در گروه‌ها و تبادل ایده‌ها تشویق کنید.
- استفاده از محیط‌های آموزشی تحریک‌کننده: محیط‌های آموزشی بازی‌آمیز و تحریک‌کننده می‌توانند خلاقیت دانش‌آموزان را افزایش دهند. استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته، ابزارهای تعاملی و مواد آموزشی جذاب می‌تواند مفید باشد.
- ارائه فرصت‌های آزاد برای اندیشه و خلاقیت: به دانش‌آموزان فرصت دهید تا به‌طور آزادانه به اندیشه و خلاقیت‌شان پرداخته و ایده‌های خود را ارائه کنند.
- تشویق به انعطاف‌پذیری: آموزش خلاقیت نیازمند انعطاف‌پذیری و تغییر در روش‌های آموزشی است. همچنین، به دانش‌آموزان نیز آموزش دهید که با انعطاف به موقعیت‌ها پاسخ دهند (دلایی میلان و همکاران، ۱۴۰۱).
- ارزیابی خلاقیت: از روش‌های ارزیابی مناسب برای اندازه‌گیری خلاقیت دانش‌آموزان استفاده کنید. به دانش‌آموزان فرصت دهید تا خودشان نتایج و خروجی‌های خلاقانه‌شان را ارزیابی کنند.
- ترتیب و توالی درسی مناسب: برنامه‌ریزی درسی با توجه به ترتیب و توالی مناسب مطالب و مهارت‌ها می‌تواند به بهبود اثربخشی آموزش خلاقیت کمک کند. از مباحث ساده به پیچیده‌ترین مفاهیم پیش رفته و مراحل آموزشی را به تدریج ارتقاء دهید.
- اشتراک‌گذاری تجربیات و مطالب: ایجاد فضایی برای اشتراک‌گذاری تجربیات و مطالب خلاقانه میان آموزگاران می‌تواند به توسعه روش‌ها و استراتژی‌های آموزش خلاقیت کمک کند.
- استفاده از مطالب و منابع تازه: به‌روز بودن با منابع و مطالب جدید در حوزه خلاقیت و آموزش می‌تواند محتوای آموزشی را تنوع بخشیده و جذابیت آن را افزایش دهد.
- تشویق به تجربه و خطا: به دانش‌آموزان اجازه دهید تا با خطاها و اشتباهات خود آشنا شوند و از تجربه‌های خود در یادگیری و خلاقیت استفاده کنند.
- ترکیب مواد آموزشی با علایق دانش‌آموزان: سعی کنید محتواهای آموزشی را با علایق و علاقه‌های دانش‌آموزان ترکیب کنید تا یادگیری برای آن‌ها جذاب‌تر و معنی‌دارتر شود.
- ارتقاء مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی: آموزش خلاقیت بهترین فرصت برای تقویت مهارت‌های ارتباطی، همکاری، تفاوت‌پذیری فرهنگی و حل تعارض‌هاست. درس‌هایی در این زمینه نیز به برنامه‌های آموزگاران اضافه شود.
- پیگیری و ارزیابی مستمر: نتایج و پیشرفت دانش‌آموزان در زمینه خلاقیت را پیگیری و ارزیابی کنید تا بتوانید به‌طور مستمر برنامه‌های آموزشی را بهبود دهید (Liao et al., 2018).

نتیجه‌گیری



توانمندسازی آموزگاران برای اجرای مؤثر آموزش خلاقیت در دوره تحصیلی ابتدایی، یک چالش مهم و اساسی در زمینه آموزش و پرورش است. با توجه به اهمیت خلاقیت در توسعه مهارت‌های ارتباطی، تفکر انتقادی و حل مسائل در دانش‌آموزان، این توانمندسازی نه تنها به بهبود کیفیت آموزش و یادگیری، بلکه به توسعه فرهنگ خلاقیت در جامعه نیز کمک می‌کند (دلایی میلان و همکاران، ۱۴۰۱).

یکی از جنبه‌های مهم بحث، تأثیر مستقیم آموزش خلاقیت بر توسعه مهارت‌های کودکان است. آموزش‌های خلاقیت باعث تقویت تفکر انتقادی، ایجاد دیدگاه‌های متنوع و توانایی حل مسائل در دانش‌آموزان می‌شود. این مهارت‌ها نه تنها در مسائل تحصیلی، بلکه در زندگی روزمره نیز به طور قابل توجهی به کمک می‌آیند.

نقش آموزگاران در توانمندسازی خود را ایفا می‌کند. آموزگاران با داشتن دانش و تجربه مناسب در زمینه آموزش خلاقیت، می‌توانند راهکارهای نوین و مؤثری را در جهت بهبود روش‌های آموزش خلاقیت ارائه دهند و به دانش‌آموزان انگیزه‌بخشی کنند. توانمندسازی آموزگاران برای اجرای مؤثر آموزش خلاقیت در دوره تحصیلی ابتدایی، عواملی مهم و کلیدی در بهبود کیفیت آموزش و یادگیری دانش‌آموزان است. از طریق ارتقاء مهارت‌ها، آموزش‌های نوآورانه و توسعه روش‌های آموزشی خلاقانه، آموزگاران می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند تا به شکل‌های متنوع و خلاقانه به یادگیری بپردازند (Liao et al., 2018). در نهایت، توجه به توانمندسازی آموزگاران و اجرای مؤثر آموزش خلاقیت در دوره تحصیلی ابتدایی، به بهبود فرآیند آموزش و یادگیری، توسعه مهارت‌های دانش‌آموزان و تقویت فرهنگ خلاقیت در جامعه کمک می‌کند.

منابع

۱. کشتکار، زهرا و لشکری پوردراگاهی، زهرا و قاسمی، صدیقه، ۱۴۰۱، بررسی راه‌های خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان ابتدایی، پنجمین همایش بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، همدان.
۲. سام خانیان، محمدرابع. خلاقیت و دلایی میلان، حمید و اسلامی، عبدالسلام و ولادتی، امید، ۱۴۰۱، روش تدریس معلمان در مدارس ابتدایی چه تاثیری بر خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان ابتدایی دارد، اولین کنفرانس بین‌المللی سلامت، علوم تربیتی و روانشناسی.
۳. حسین امانی علی آباد، امیر و خسرو جردی، محمد و امانی علی آباد، ناصر و قدرتی علی آباد، ابصلت، ۱۴۰۰، تأثیر نوع روش تدریس بر افزایش خلاقیت دانش‌آموزان ابتدایی، نخستین همایش ملی ایده‌های کاربردی در علوم تربیتی، روانشناسی و مطالعات فرهنگی، بوشهر.
4. Lucchiari, C., Sala, P. M., & Vanutelli, M. E. (2019). The effects of a cognitive pathway to promote class creative thinking. An experimental study on Italian primary school students. *Thinking Skills and Creativity*, 31, 156-166.
5. Ulas, A. H. (2008). Effects of creative, educational drama activities on developing oral skills in primary school children. *American Journal of Applied Sciences*, 5(7), 876-880.
6. Erdoğan, T., & Akkaya, S. Ç. (2009). The effect of the Van Hiele model based instruction on the creative thinking levels of 6th grade primary school students.
7. Zelenkova, I. (2015, May). The Features of the Manifestation of Primary School Students' Creativity in the Context of Graphic Activities. In 1st International Conference on Arts, Design and Contemporary Education (ICADCE 2015) (pp. 577-579). Atlantis Press.
8. Jamali, U. A. Y. (2019). Fostering creativity using robotics among gifted primary school students. *Gifted and Talented International*, 34(1-2), 71-78.
9. Woo, M., Chu, S., Ho, A., & Li, X. (2011). Using a wiki to scaffold primary-school students' collaborative writing. *Journal of Educational Technology & Society*, 14(1), 43-54.
10. Liao, Y. H., Chen, Y. L., Chen, H. C., & Chang, Y. L. (2018). Infusing creative pedagogy into an English as a foreign language classroom: Learning performance, creativity, and motivation. *Thinking Skills and Creativity*, 29, 213-223.